



Possibility of Reparation and Consumer Litigation in the Stock Exchange with A Comparative Study of the US Law and Law of European Countries

Received: 13/04/2019; Accepted: 06/06/2020

Abbas Ghasemi Hamed¹

Yousef Barari Chenari²

Abstract

Consumer rights protection as a group with weak economic and information resources and less bargaining power has always been the focus of lawmakers in various countries. For these shortages it is always emphasized that relying solely on the principle of contractual freedom does not preserve their rights. This is true for both normal and real market consumers, especially the financial market and, above all, the capital market. Small investors or consumers of the stock exchange as the most important part of the capital market are non-specialists who, although buy and sell securities on the stock exchange with the aim of earning money, this activity is not the main job for them and due to the above weaknesses need special legal protections. Among rights of the stock exchange consumer is granting the right to compensation and litigation to them against the possible losses incurred by other players in the stock market which somehow protects their other rights, more importantly, it has a preventive aspect as well. This right is predicted in Securities Market Act adopted in 2005 by our country and other countries like the United States and European countries. And according to art. 36 of the related Act, the jurisdiction to deal with, after disagreement with the relevant center, is delegated to the arbitration board which contrary to what is prevalent in arbitrations and referring to them is optional, referring to the Exchange arbitration board is mandatory. This article seeks to answer the following questions: Who is the stock exchange consumer? What is the form of a capital market litigation?.

Key Words: Consumer, Retail Investor, Stock Exchange, Right to Reparation and Litigation, Arbitration Board.

1. Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University.
2. Ph. D. Candidate in Private Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University (Corresponding Author); Email: Barariy@yahoo.com

امکان جبران خسارت و دادخواهی مصرف‌کننده در بورس اوراق بهادار با مطالعه تطبیقی حقوق ایالات متحده آمریکا و کشورهای

اروپایی

عباس قاسمی حامد^۱

تاریخ دریافت ۹۸/۰۱/۲۴ - تاریخ پذیرش ۹۹/۰۳/۱۷

یوسف براری چناری^۲

چکیده

حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان بعنوان قشری که دارای ضعف اقتصادی و اطلاعاتی بوده و قدرت چانه‌زنی کمتری دارند، همواره مورد توجه قانونگذاران کشورهای مختلف بوده است. به جهت همین نقص‌هاست که همواره تاکید می‌گردد صرف تکیه به اصل آزادی قراردادی حافظ حقوق آنها نیست. این امر هم نسبت به مصرف‌کنندگان عادی بازار واقعی و هم مصرف‌کنندگان بازار مالی و در راس آن بازار سرمایه صادق است. سرمایه‌گذاران خرد یا مصرف‌کنندگان بورس اوراق بهادار به عنوان مهمترین بخش بازار سرمایه، اشخاصی هستند غیرمتخصص که اگرچه با هدف کسب درآمد اقدام به خرید و فروش اوراق بهادار در بورس می‌نمایند، ولی این فعالیت برای آنها جنبه شغل اصلی ندارد و به جهت ضعف‌های فوق، نیازمند حمایت‌های خاص قانونی هستند. از جمله حقوق مصرف‌کننده بورس، اعطای حق جبران خسارت و دادخواهی به آنها در برابر زیانهای احتمالی‌ای که از تقصیر سایر بازیگران بازار بورس به آنها وارد شده، می‌باشد که به نوعی حافظ سایر حقوق آنهاست و مهمتر از آن، جنبه پیشگیرانه نیز دارد. این حق در قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ و دیگر کشورها مانند ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی پیش‌بینی شده و صلاحیت رسیدگی به این امر به موجب ماده (۳۶) آن، بعد از عدم سازش در کانون مربوطه، برعهده هیات داوری گذاشته شده است که برخلاف آنچه که در مورد داوری‌ها مرسوم بوده و رجوع به آن اختیاری می‌باشد، مراجعه به هیات داوری بورس اجباری است. این مقاله در پی آن است تا به این سوالات پاسخ دهد: مصرف‌کننده بورس کیست؟ شکل رسیدگی به دعوی جبران خسارت در بازار سرمایه چگونه است؟

واژگان کلیدی: مصرف‌کننده، سرمایه‌گذار خرد، بورس اوراق بهادار، حق جبران خسارت و دادخواهی، هیات داوری.

شماره پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب - سال بیستم - شماره دوم - پاییز ۱۳۹۹: ۳۱۳-۳۱۲ - ۱۵۱-۴۲۳۷-1551.cstw 2020.4237

۱. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)؛ رایانامه:



مقدمه

از آنجایی که سرمایه‌گذاران خرد یا مصرف‌کنندگان بازار بورس از نظر ملاکهای اطلاعاتی و اقتصادی، همانند سایر مصرف‌کنندگان، دارای ضعف هستند، نیازمند حمایت خاص می‌باشند و بنظر می‌رسد که هدف اصلی ماده (۲)^۱ و بند (۱۱) ماده (۷)^۲ قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ که به مقصود «حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران» تصریح دارد، می‌باشند. علت بررسی موضوع مبنایی امکان یا عدم امکان تلقی سرمایه‌گذاران بورس به عنوان مصرف‌کننده این است که در صورت مثبت بودن پاسخ، می‌توان آنها را مشمول قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ و حمایت‌های خاص آن از جمله مواد (۳) و (۷) این مقررہ دانست.

گفته شده؛ حمایت از مصرف‌کننده بورس اوراق بهادار یا همان سرمایه‌گذار جزء، نه تنها برای حمایت از حقوق او به عنوان طرف ضعیفتر حیاتی است، بلکه برای توسعه سلامت بازار نیز لازم بوده و این فرضیه هم تایید شده که حمایت مزبور موجب گسترش بیشتر بازار می‌گردد (Hwang, 2011: 271). این حمایت، مورد توجه بانک جهانی^۳ هم قرار گرفته و هدف اصلی مقررات سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار^۴ که ارائه‌کننده نخستین مقررات اوراق بهادار جهت حمایت از سرمایه‌گذار می‌باشد، هم بوده است. اهداف مقررات اوراق بهادار سازمان مزبور علاوه بر حمایت از سرمایه‌گذاران، حصول

۱ - ماده ۲- در راستای حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و با هدف ساماندهی، حفظ و توسعه بازار شفاف، منصفانه و کارای اوراق بهادار و به منظور نظارت بر حسن اجرای این قانون، شورا و سازمان با ترکیب، وظایف و اختیارات مندرج در این قانون تشکیل می‌شود.

۲ - ماده ۷- وظایف و اختیارات هیأت مدیره سازمان به شرح زیر است: ... ۱۱ - اتخاذ تدابیر ضروری و انجام اقدامات لازم به منظور حمایت از حقوق و منافع سرمایه‌گذاران در بازار اوراق بهادار.

3 The World Bank Group

4 International Organization of Securities Commissions





اطمینان از بازار منصفانه و کارآمد و شفاف و نیز کاهش ریسک می‌باشد (International Organization of Securities Commissions, 2003: 5).

از جمله حقوق مصرف‌کننده بورس، اعطای حق جبران خسارت و دادخواهی به وی در صورت تحمل خسارت می‌باشد. به عنوان مثال در صورتی که از تقصیر کارگزار خسارتی به مصرف‌کننده بورس وارد آید، وی حق مطالبه دارد. مطابق یک اصل کلی حقوقی که خود ریشه در مبانی اخلاقی و دینی داشته و در کلیه نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است، هیچ کس حق ورود خسارت به دیگری را ندارد و در صورت ورود خسارت اعم از اینکه عمدی یا غیرعمدی باشد، مکلف به جبران خسارت است، به گونه‌ای که گویی هیچ خسارتی از ابتدا وارد نشده است. این اصل، به اصل لزوم جبران خسارت معروف بوده و معادل آن در فقه تحت عنوان قاعده لاضرر مطرح شده است (آقاجانی، ۱۳۹۰: ۱۷). در حقوق ایران، حق دادخواهی به مثابه یکی از حقوق بنیادین، ریشه در قانون اساسی دارد. این موضوع مهمترین شاخصه امنیت قضایی شهروندان بوده و بر اساس آن، تمام افرادی که حق آنها مورد تعرض قرار گرفته، باید بتوانند از طریق مرجع صالح به احقاق حق بپردازند. علاوه بر اصل سی و چهارم قانون اساسی که دادخواهی را حق مسلم هر فرد دانسته است، حق جبران خسارت در مقررات مرتبط با مصرف‌کننده کشورمان مانند ماده (۱۶) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ و مقررات مرتبط با جبران خسارت در بورس بطور اختصاصی، مانند مواد (۱۳) و (۲۶) قانون بورس ۱۳۴۵، مواد (۴۳) و (۵۲) قانون بازار اوراق بهادار ۱۳۸۴ و نیز ماده (۱۵) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۸ پیش‌بینی شده است.

حق جبران خسارت عموماً با حق دادخواهی یا حق اقامه دعوا مورد بررسی قرار می‌گیرد. چرا که این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. لازمه دستیابی به جبران ضرر، دادخواهی توسط مصرف‌کننده است و دادخواهی توسط او هم عموماً برای جبران زیان اوست. این





حق که برخی حق مزبور را تحت عنوان «حق دسترسی به مراجع حل اختلاف^۱ یا حق دادرسی یا حق دسترسی به عدالت» مورد بررسی قرار داده‌اند (غفاری فارسانی، ۱۳۸۹: ۲۵۰)، در زمره حقوق بشر بوده و حقی است اجتماعی و تضمین کننده اجرای سایر حقوق هر فرد در اجتماع می‌باشد. به همین دلیل گاهی آن را «بنیادی‌ترین حق بشری» می‌نامند. در ماده (۸) اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره گردیده است که هر کسی در برابر اعمالی که حقوق او را مورد تجاوز قرار می‌دهند حق مراجعه موثر به محاکم ملی صالح را دارد. در ماده (۱۰) نیز حق هر کس بر استماع دعوایش در دادگاهی مستقل و بی طرف به رسمیت شناخته شده است. موضوع این مقاله جدید بوده و سابقاً در کارهای نویسندگان دیگر جز یک مورد آن هم به طور مختصر در مقاله «نارسایی‌های حقوق خصوصی ایران در مقابله با مخاطرات بازار بورس برای مصرف کننده» آقای دکتر محسن صادقی، نه مفهوم مصرف کننده بازار اوراق بهادار تشریح شده و نه به این حق وی پرداخته شده است.

سوالاتی که در این مقاله مطرح می‌شود اینکه آیا همانند سایر بازارها، در بازار اوراق بهادار نیز قشر مصرف کننده وجود دارد یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ آنها چه اشخاصی هستند؟ آیا حق جبران خسارت و دادخواهی که برای همه مصرف کنندگان وجود دارد برای مصرف کنندگان بازار بورس نیز موضوعیت دارد یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، مفهوم آن چیست و تبیین آن در بازار اخیر چگونه است؟ آیا شیوه رسیدگی به ادعاهای مورد بحث در بورس، همانند این دعوا در بازار واقعی است یا خیر؟ در این مقاله که از روش کتابخانه‌ای تبعیت و از منابع مختلف فارسی و انگلیسی استفاده شده، سعی در پاسخ به این سوالات بوده‌ایم و عقاید مختلف را ارائه نموده و در برخی

۱ - علت انتخاب «مراجع حل اختلاف» به جای «دادگاه صالح» این است که رسیدگی به این دعوا همواره در دادگاه به عمل نمی‌آید بلکه همانند آنچه که در مقررات بورس اوراق بهادار که به شرح آتی خواهد آمد، بیان شده، برخی از مراجع دیگر نیز صلاحیت رسیدگی به این ادعا را دارند. علت آن هم علاوه بر تخصصی بودن موضوع و نیاز به بررسی توسط متخصصین امر، لزوم سرعت در رسیدگی و اتخاذ تصمیم و کاستن از حجم انبوه پرونده‌های مطروحه در دادگاههاست. به عنوان مثال، رسیدگی سازمان تعزیرات حکومتی وفق مواد ۱۴، ۱۵، ۱۷ و ۲۲ قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸ و هیات حل اختلاف مذکور در تبصره ۲ ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶.





موارد رویه عملی هم آمده است و هدف آن است تا پس از شناسایی مصرف‌کنندگان این بازار و تشریح حق جبران خسارت و دادخواهی بطور کلی، حق مزبور در بورس شناسایی شده و چگونگی اجرای این حق در بازار اوراق بهادار تشریح و نظام‌های حقوقی مختلف مورد بررسی قرار گرفته و به شیوه خاص رسیدگی به این حق در بازار بورس که اجباری بوده و متفاوت از سایر بازارهاست، نگاه اجمالی شود.

این مقاله به چهار قسمت تقسیم می‌گردد ابتدا مفهوم مصرف‌کننده در بورس اوراق بهادار سپس مفهوم خسارت و حق دادخواهی و اهمیت آن بررسی، در ادامه حق جبران خسارت و دادخواهی در بورس اوراق بهادار خواهد آمد و النهایه شیوه رسیدگی به دعوی جبران خسارت و دادخواهی در بورس اوراق بهادار مورد مذاقه قرار گرفته و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۱. مفهوم مصرف‌کننده در بورس اوراق بهادار

در کشور ما عبارت «مصرف‌کننده» در مقررات متعددی تعریف شده است. مهمترین آن بند (۱) ماده (۱) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ می‌باشد که در تعریف مصرف‌کننده بیان داشته است:

«هر شخص حقیقی و یا حقوقی است که کالا یا خدمتی را خریداری می‌کند.» علاوه براین، بند ج ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی ماده (۷) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۹۰، بند «س» ماده (۲) قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ و بند (۵) ماده (۱) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶ نیز به تعریف آن پرداخته‌اند. در بند «س» ماده (۲) فوق آمده است:

«مصرف‌کننده: هر شخصی است که به منظوری جز تجارت یا شغل حرفه‌ای اقدام می‌کند.» بند (۵) ماده (۱) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو نیز مقرر می‌دارد:

«مصرف‌کننده: هر شخص حقیقی یا حقوقی که خودرو را برای استفاده شخصی یا عمومی در اختیار دارد.»





تعریف مصرف‌کننده بورس اوراق بهادار متفاوت از آنچه که آمده است، می‌باشد. برای تبیین مفهوم مصرف‌کننده اخیر، باید سرمایه‌گذاری و انواع سرمایه‌گذار تشریح سپس مصرف‌کننده بورس از بین سرمایه‌گذاران مزبور شناسایی شوند.

۱-۱. مفهوم سرمایه‌گذاری

در ساده‌ترین تعریف، «سرمایه‌گذاری»^۱ به معنای تامین منابع جهت کسب سود است؛ لیکن این اصطلاح گاهی به معنای «فرآیند» سرمایه‌گذاری (برای مثال عملیات خرید سهام یک شرکت) و گاهی به معنای «اموال» تحصیل شده از طریق سرمایه‌گذاری (یعنی خود سهام خریداری شده) به کار می‌رود (نیکبخت و پیری، ۱۳۹۶: ۱۲۶). به تعبیر برخی از منابع خارجی (1: 2016, www.pondiuni.edu.in)، سرمایه‌گذاری یعنی قربانی و فدا کردن زمان حاضر، به امید کسب سود در آینده است. پس سرمایه‌گذار دارای دو ویژگی می‌باشد: ۱- قربانی و فدا کردن حال حاضر ۲- کسب سود در آینده. البته بدیهی است که این تعریف به معنای قطعی بودن تحصیل سود نبوده و احتمالی و همراه با ریسک و خطر بوده و همانگونه در بازار به وضوح می‌توان دید، عده‌ای سودهای کم یا سرشار بدست آورده و برخی دیگر حتی متحمل زیانهای هنگفتی می‌شوند. نویسنده مزبور، سرمایه‌گذاری را از سه منظر اقتصادی، حقوقی و مالی بررسی نموده که تفصیل آن مناسب این مقاله نمی‌باشد. مفهوم سرمایه‌گذاری در کتب لغت معروف دهخدا و معین در زبان فارسی نیامده اما در کتب مشابه انگلیسی و بستر؛ به معنای، پول را در موقعیت کسب درآمد قرار دادن (Ellis, 2006: 161) و در بِلِک؛ به مفهوم اختصاص پول برای خرید اوراق بهادار یا بکار گرفتن آن برای تجارت یا معاملات املاک آمده که کسب سود و درآمد نیز در آن، احتمالی است (Campbell Black, 1968: 960).

تعاریف دیگری نیز از سرمایه‌گذاری که شامل همه اموال می‌شود (Malik, 2008: 2-3)، ارائه شده است. از جمله: سرمایه‌گذاری عبارت است از به کار انداختن سرمایه در جهت ایجاد یا افزایش تولید. بنابراین سرمایه‌گذاری می‌تواند در زمینه‌ی دارایی‌های واقعی





که ماهیت فیزیکی دارند به عنوان مثال زمین و کارخانه و یا در زمینه‌ی دارایی‌های مالی مانند اوراق بهادار که ماهیت خارجی ندارند و ارزش آنها به ارزش تولیدات و خدمات ارائه شده توسط شرکت‌های آنها وابسته است، صورت پذیرد (باقری مطلق، ۱۳۹۱: ۲۳). همچنین گفته شده؛ سرمایه‌گذاری عبارت است از به کار انداختن پول به منظور کسب سود از آن است، مانند سپرده‌گذاری در بانک‌ها و موسسات مالی برای گرفتن سود سپرده، سرمایه‌گذاری در بورس سهام به منظور گرفتن سود سهام و ارزش افزوده ناشی از قیمت سهم، سرمایه‌گذاری در بخش تولیدی به منظور تولید محصول و فروش آن به مشتری و مانند آن (نوروزی، ۱۳۹۴: ۴۱). قسمت (a) بند (۴) ماده (۱۲BAA) قانون کمیسیون سرمایه‌گذاری و اوراق بهادار استرالیا مصوب ۲۰۰۱م، سرمایه‌گذاری را به حالات مختلف تقسیم کرده و بند (۴) بخش (۲۲) قانون بازارها و خدمات مالی انگلستان مصوب ۲۰۰۰ سرمایه‌گذاری را شامل دارایی و حق و منفعت دانسته است. در تعریف سرمایه‌گذار بورس باید گفت؛ این کلمه، اصطلاح فنی با معنای حقوقی دقیقی نمی‌باشد اما محققان خارجی بیان داشته‌اند: شخصی است که با پذیرش ریسک به امید تحصیل درآمد، اوراق بهادار شامل سهام، اوراق قرضه یا هر ورقه بهادار دیگر بورس را مورد معامله قرار می‌دهد (FINANCIAL MARKET OPERATIONS-INVESTORS PROTECTION,)

1: 2016). این سرمایه‌گذار به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱-۲. اقسام سرمایه‌گذار در بورس اوراق بهادار

سرمایه‌گذار به دو دسته سرمایه‌گذار خرد^۱ یا غیرحرفه‌ای و سرمایه‌گذار نهادی^۴ تقسیم می‌شود (Arnett et al., 2011: 7) که به شرحی که خواهد آمد، سرمایه‌گذاران دسته اول مصرف‌کننده محسوب می‌شوند (Black, 2006: 22). سرمایه‌گذار خرد، که دارای موقعیت نامتوازنی نسبت به سرمایه‌گذار نهادی بوده و قدرت چانه‌زنی و اقتصادی کمتری دارد، همانگونه که در فهرست (۵) بخش (۸) ۲۱۲ قانون خدمات و بازارهای مالی مالزی



1 Australian Securities and Investments Commission Act 2001
2 Financial Services and Markets Act 2000
3 Retail investor
4 Institutional investor



مصوب ۲۰۰۷ آمده، هر شخص غیر حرفه‌ای اعم از حقیقی یا حقوقی است که به هر وسیله مستقیم یا غیرمستقیم، مالک اوراق بهادار اعم از سهام و سایر می‌شود و این فعالیت برای او جنبه شغل اصلی اش نداشته باشد. در مقابل؛ بند (a) ماده (۹۱۳) قانون اصلاح وال استریت و حمایت مصرف‌کننده (موسوم به قانون داد-فرانک) آمریکا مصوب ۲۰۱۰ مخالف قسمت اول تعریف فوق بوده و آن را مختص شخص حقیقی دانسته اما در ادامه هدف استفاده شخصی را مورد تصریح قرار داده که مشابه آنچه که ارائه نموده‌ایم، می‌باشد. موضوع اخیر نیاز به اندک توضیحی دارد. هدف مزبور به معنی این است که برای تلقی سرمایه‌گذار به عنوان مصرف‌کننده در بورس، نباید خرید و فروش اوراق بهادار شغل اصلی و مستمر او بوده بلکه باید مکمل شغل اصلی و پاره وقت او باشد. مانند معلمی که شغل اصلی او تدریس بوده و به عبارتی امرار معاش او از این طریق می‌باشد ولی در کنار این شغل، گاهی اوقات در بورس نیز مشغول سرمایه‌گذاری و خرید و فروش اوراق بهادار می‌شود تا مکمل شغل اصلی وی یعنی معلمی باشد یا وکیلی که وکالت شغل اصلی او بوده اما در کنار آن گاهی در بورس نیز فعالیت می‌نماید. لازم به ذکر است که صرف فعالیت پاره‌وقت معلم وکیل فوق موجب تخصص او در زمینه بازار اوراق بهادار نمی‌گردد. البته اگر اثبات شود وی با همین فعالیت غیرمداوم در بورس تخصص پیدا نموده و مهارت او فراتر از اشخاص عادی است، دیگر مصرف‌کننده بورس تلقی نمی‌شود اگرچه حرفه اصلی او فعالیت در بورس نیست. همانطور که بیان شده، حقیقی یا حقوقی بودن شخص تاثیری در تلقی او به عنوان مصرف‌کننده نداشته و این امر مورد توجه مقررات کشور ما نیز قرار گرفته و بند (۵) ماده (۱) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶^۳ و بند (۱) ماده (۱) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸^۴ در تعریف مصرف‌کننده این موضوع تصریح شده است. همچنین بند «س» ماده (۲) قانون تجارت الکترونیکی مصوب

1 Capital Markets And Services Act 2007

2 Dodd-Frank Wall Street Reform and Consumer Protection Act

۳ - مصرف‌کننده: هر شخص حقیقی یا حقوقی که خودرو را برای استفاده شخصی یا عمومی در اختیار دارد.

۴ - مصرف‌کننده: هر شخص حقیقی و یا حقوقی است که کالا یا خدمتی را خریداری می‌کند.





۱۳۸۲ با بکار بردن کلمه «شخصی» که مطلق بوده، بیانگر این است که مصرف‌کننده هم شامل اشخاص حقیقی می‌شود و هم اشخاص حقوقی. لذا همانگونه که نویسندگان خارجی بیان داشته و در بند (aj) قسمت (۱) ماده (۴) دستورالعمل 2011/61/EU، بند (۱۱) قسمت (۱) ماده (۴) دستورالعمل 2014/65/EU^۳ و بند (۱۲) قسمت (۱) ماده (۴) دستورالعمل 2004/39/EC آمده؛ صفت بارز سرمایه‌گذار خرد، غیرحرفه‌ای بودن و عدم مهارت اوست (Final report, European Commission, 2018: 152).

در مقابل سرمایه‌گذار خرد، سرمایه‌گذار نهادی یا به تعبیر بند (ag) قسمت (۱) ماده (۴) دستورالعمل 2011/61/EU سرمایه‌گذار حرفه‌ای قرار دارد. تعریفی که یکی از حقوق‌دانان کشور ما از سرمایه‌گذار نهادی ارائه داده‌اند اینکه؛ شخصی است که به صورت حرفه‌ای و به عنوان متخصص اقدام به خرید و فروش اوراق بهادار می‌کند و نیازمند حمایت‌هایی نیست که سازمان بورس از عموم می‌نماید (سلطانی، ۱۳۹۵: ۷۴) در قانون بازار کشورمان مصوب ۱۳۸۴ کمترین توجه به سرمایه‌گذار نهادی شده و تنها در بند (۲۷) ماده (۱) آن،^۵ از این عبارت استفاده و عرضه خصوصی اوراق بهادار که دارای تشریفات عرضه عمومی نبوده و سخت‌گیری‌های آن را که برای رعایت عموم سرمایه‌گذاران است، ندارد، تنها نسبت به سرمایه‌گذاران نهادی ممکن دانسته است. لذا قانون هم به عدم نیاز به حمایت این دسته از سرمایه‌گذاران توجه نموده است. مصوبه مربوط به تعریف سرمایه‌گذار نهادی هیات مدیره

۱ - مصرف‌کننده: هر شخصی است که به منظوری جز تجارت یا شغل حرفه‌ای اقدام می‌کند.

1- DIRECTIVE 2011/61/EU OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL of 8 June 2011 on Alternative Investment Fund Managers and amending Directives 2003/41/EC and 2009/65/EC and Regulations (EC) No 1060/2009 and (EU) No 1095/2010

2- DIRECTIVE 2014/65/EU OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL of 15 May 2014 on markets in financial instruments and amending Directive 2002/92/EC and Directive 2011/61/EU

3- Directive 2004/39/EC of the European Parliament and of the Council of 21 April 2004 on markets in financial instruments amending Council Directives 85/611/EEC and 93/6/EEC and Directive 2000/12/EC of the European Parliament and of the Council and repealing Council Directive 93/22/EEC

۵ - ماده ۱- اصطلاحات و واژه‌هایی که در این قانون بکار رفته است، دارای معانی زیر می‌باشند: ... ۲۷- عرضه خصوصی: فروش مستقیم اوراق بهادار توسط ناشر به سرمایه‌گذاران نهادی است.





سازمان بورس مصوب ۱۳۸۶/۶/۲۸^۱ نیز سرمایه‌گذار نهادی را تعریف نموده است. برخی از نویسندگان (Çelik and Isaksson, 2014: 95-96) مهمترین وجه ممیزه سرمایه‌گذار نهادی از خرد را حقیقی نبودن سرمایه‌گذار نهادی دانسته و معتقدند سرمایه‌گذار نهادی الزاما شخص حقوقی بودن است که این امر منطقی بنظر نمی‌رسد. زیرا همانطور که بیان گردید، ملاک تشخیص مصرف‌کننده از غیر آن، ویژگی حقیقی یا حقوقی بودن شخص نیست بلکه حرفه‌ای و ماهر نبودن او بوده و نباید سرمایه‌گذاری در بورس شغل اصلی وی باشد. در نتیجه اگر موضوع فعالیت شخص حقوقی مرتبط با بورس نباشد ولی بطور غیرمداوم و در کنار فعالیت اصلی در بورس سرمایه‌گذاری کند، در این صورت او مصرف‌کننده بورس تلقی خواهد شد و باید حمایت‌های خاص قانونی از این شخص صورت گیرد اگرچه شخص حقوقی است. عقیده اخیر مورد پذیرش مصوبه مربوط به تعریف سرمایه‌گذار نهادی هیات مدیره سازمان بورس مصوب ۱۳۸۶/۶/۲۸ کشور ما قرار گرفته و این امر را اختصاص به اشخاص حقوقی ندانسته و وفق بند (۳) و (۶) خود، اشخاص حقیقی را هم شامل می‌شود. لازم به ذکر است که در مورد شخص حقوقی این اماره وجود دارد که او به علت تشکیلات منظم و قدرت اقتصادی مناسب، ماهر فرض می‌شود ولی در صورتی که خلاف آن اثبات شود و مشخص گردد که سرمایه‌گذاری شخص حقوقی در بورس، فعالیت اصلی این شخص نبوده و همچنین در امر بورس تبحر ندارد، در این صورت مصرف‌کننده محسوب خواهد شد. در مقابل، اصل بر این است که شخص حقیقی غیرحرفه‌ای است. اما در صورتی که ثابت شود او متخصص بوده که دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد، مصرف‌کننده محسوب نمی‌شود حتی اگر سرمایه‌گذاری در بورس شغل فرعی و مکمل او باشد.

۱- سرمایه‌گذار نهادی موضوع بند ۲۷ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار ج.ا. عبارتند از: ۱- بانکها و بیمه‌ها، ۲- هلدینگها، شرکتهای سرمایه‌گذاری، صندوق بازنشستگی، شرکت تأمین سرمایه و صندوقهای سرمایه‌گذاری ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، ۳- هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد یا بیش از ۵ میلیارد ریال از ارزش اسمی اوراق بهادار در دست انتشار ناشر را خریداری کند، ۴- سازمانها و نهادهای دولتی و عمومی، ۵- شرکتهای دولتی، ۶- اعضای هیأت مدیره و مدیران ناشر یا اشخاصی که کارکرد مشابه دارند.





همانطور که گفته شد، به عقیده ما، مصرف‌کننده بورس، همان سرمایه‌گذار خرد می‌باشد اگرچه این امر متفق‌القول نبوده و مورد پذیرش برخی از حقوقدانان فرانسه (کاله-اولوآ، ۱۳۹۳: ۲۸) و نویسندگان دیگر (Cartwright, 1999: 6) نمی‌باشد، اما در مقابل، می‌توان از عده‌ای از محققین خارجی و کشورمان (صادقی، ۱۳۹۴: ۱ - کاله-اولوآ، ۱۳۷۹: ۳۲۷ - Jickling, 2010: 16 - Hwang, 2011: 271) نام برد که از جمله موافقان محسوب می‌شوند. در قوانین برخی از کشورهای نیز از نظر اخیر تبعیت شده است. به عنوان نمونه؛ بند (۳) ماده (IC) قانون بازارها و خدمات مالی انگلستان مصوب ۲۰۰۰^۱ هم سرمایه‌گذاران بالفعل بازار اوراق بهادار و هم اشخاصی که در آینده ممکن است به سرمایه‌گذاری در بورس پردازند را مصرف‌کننده می‌داند. ایضا در بند (۴) و (۵) ماده (IC) مزبور نیز مصادیق خدمات مالی آمده که خدمات بورس نیز جزئی از آن است. بعضی از محققان (Cartwright, 2004: 5) نیز پا را فراتر نهاده و همه سرمایه‌گذاران اعم از نهادی و خرد را مصرف‌کننده تلقی نموده‌اند و عده‌ای دیگر (W. Harvey, 2000: 8) نیز در تفسیری موسع، ویژگی مصرف‌کننده را اختصاص به سرمایه‌گذار بورس ندانسته و سرمایه‌گذار را جزئی از مصرف‌کنندگان بازار سرمایه تلقی کرده‌اند.

۲. مفهوم خسارت و حق دادخواهی و اهمیت آن

«خسارت» که عده‌ای آن را گزندی می‌دانند که به منافع مالی یا غیرمالی رسیده است (بزرگمهر، ۱۳۸۵: ۴۶)، در لغت فارسی به معنای «زیان»، «ضرر»، «زیان بردن»، «ضرر کردن» و ... آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۹۷۶۷). در زبان انگلیسی هم اقسامی داشته و معادل «Damage» و به مفهوم «ضرر و صدمه به جسم و اموال ناشی از مسامحه و یا حادثه از سوی یک شخص نسبت به شخص دیگر» می‌باشد (Campbell Black, 1968: 466).

اگرچه برخی از نویسندگان، بین مفهوم «خسارت» با «ضرر» فرق قائل شده (مددی، ۱۳۸۸: ۱۳۷) و برخی دیگر از اساتید هم خسارت را اعم از ضرر دانسته‌اند (جعفری





لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۸۱۲)، اما مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان با مترادف دانستن آنها، در تعریف چنین بیان می‌دارند: «خسارت یا ضرر یعنی هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه‌ای وارد آید، می‌گویند ضرری به بار آمده است. این خسارات به سه دسته تقسیم می‌شوند: (۱) مادی؛ (۲) معنوی؛ (۳) بدنی (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۲۴۲)».

بند (۱) ماده (۵) قانون حمایت از مصرف‌کننده مصوب ۱۹۸۷ انگلستان^۱ «خسارت» را به معنای مرگ یا صدمه جسمی یا هرگونه زیان یا خسارت به مال دانسته است. ماده (۹) دستورالعمل 85/374/EEC^۲ اتحادیه اروپا در مورد مسئولیت برای محصولات معیوب مصوب ۲۵ جولای ۱۹۸۵ در تعریف «خسارت» بیان می‌دارد: «از نظر ماده ۱، خسارت عبارت است از: الف- خسارت ناشی از مرگ و یا آسیب‌های جسمی شخص؛ ب- خسارت و یا تخریب وارد بر اموالی غیر از خود کالای معیوب، که کمتر از پانصد یورو نباشد، مشروط بر اینکه اقلام این اموال، نوعاً به گونه‌ای باشند که برای استفاده یا مصرف شخصی منظور شده‌اند و شخص زیان‌دیده آنها را به طور عمده برای استفاده یا مصارف شخصی به کار می‌گیرد. این ماده لطمه‌ای به مقررات ملی راجع به خسارات معنوی نخواهد رساند.»

«دادخواهی» را هم اگرچه برخی، به معنای حقی که شهروندان در دعاوی کیفری و مدنی خود در مقابل دادگاه‌های دادگستری به معنای اخص آن مطالبه می‌کنند، دانسته‌اند (کازمی و رستمی، ۱۳۹۵: ۱۶۸)؛ ولی این امر نافی حق مراجعه اشخاص به مراجع اختصاصی برای احقاق حق خود در زمانی که قانون آنها را صالح دانسته نبوده و به همه آنها، «دادخواهی» اطلاق می‌گردد.

حق دادخواهی برای جبران زیان که در زبان لاتین از عبارت «ubi jus ibi remedium» استفاده شده، بدین معناست که هر جا حقی وجود دارد، جبران خسارت آن نیز مطرح بوده

1 Consumer Protection Act, 1987
2- Council Directive 85/374/EEC of 25 July 1985 on the approximation of the laws, regulations and administrative provisions of the Member States concerning liability for defective products





و در واقع این دو در هم تنیده می‌باشند. بنابراین، حق دادخواهی و جبران خسارت برای اطمینان از اینکه از حقوق مصرف‌کننده در برابر اقدامات ناعادلانه حمایت شود، به وجود آمده است (Chin Ong et al., 2016: 7/144).

اهمیت حق جبران خسارت و دادخواهی از آن روست که صرف اعطای حقوق به اشخاص یا قشر خاصی از جامعه، راه‌حل رفع تبعیض آنها در جامعه نبوده بلکه در کنار آن باید ضمانت‌اجرای قوی و مستحکمی پشتوانه نقض آن باشد تا با توجه به آن، حقوق اشخاص مزبور رعایت گردد. بیان حقوق بدون پیش‌بینی ضمانت‌اجرای آن، همانند آن است که در مقررات، حقوق اشخاص با سکوت روبرو شود. به همین جهت، اعطای حق دادخواهی به مصرف‌کننده برای جبران زیان وارد به او ناشی از نقض عهد توسط طرف مقابل که سابقه‌ای بیش از هشتصد سال در حقوق دارد (SMITH, 1971: 2)، مهمترین حق محسوب و در حقوق پیشرفته‌ای مانند ایالات متحده آمریکا در نخستین اصلاحات قانون اساسی ایالات متحده آمریکا آمده بود و به عنوان اساس و زیربنای آزادی دانسته شده است.^۱ حق جبران ضرر یا خسارت به نوعی حافظ سایر حقوق می‌باشد و نقش حمایتی آن موجب شده است حق مزبور را از جمله حقوق ثانویه بدانند (Chin Ong, 2016: 7/144).

یعنی در حالت عادی مطرح نمی‌گردد و فقط در صورت نقض تعهد از سوی طرف مقابل، مصرف‌کننده حق دادخواهی برای جبران زیان را خواهد داشت و تا نقضی از سوی شخصی رخ ندهد، این حق مطرح نخواهد شد. برعکس سایر حقوق مانند حق آزادی در انتخاب، حق آموزش، حق ارائه اطلاعات و ... که از حقوق اولیه بوده و ابتدا به ساکن مطرح بوده و نیازی به اقدام خاصی از سوی شخص مقابل برای مطرح شدن آنها نمی‌باشد. به دلیل اهمیت آن می‌باشد که این امر در حقوق اکثر کشورها تصریح شده است. به عنوان نمونه؛ مواد ۷۶ به بعد قانون حمایت از مصرف‌کننده آفریقای جنوبی مصوب ۲۰۰۸ و در



^۱برای مطالعه بیشتر در این خصوص، رجوع کنید به: STATEMENT OF FACTS AND BELIEFS REGARDING THE RIGHT TO PETITION THE GOVERNMENT FOR A REDRESS OF GRIEVANCES, 2003, available at: <http://famguardian1.org/Subjects/Taxes/LegalEthics/RightToPet-031002.pdf>



کشور مالزی هم، قانون فروش کالاها مصوب ۱۹۵۷^۱ و قانون حمایت از مصرف‌کننده ۱۹۹۹^۲ به حق جبران خسارت پرداخته است.

از مزایای حق مزبور در حقوق مصرف، علاوه بر اینکه این حق موجب می‌گردد عرضه‌کننده متخلف محکوم به پرداخت خسارت شده و زیانهای مصرف‌کننده جبران گردد، از این منظر نیز مفید است که جنبه پیشگیرانه دارد و در واقع عرضه‌کننده برای جلوگیری از محکومیت خود یا مهمتر از آن جلوگیری از لطمه به اعتبار و شهرت تجاری وی که با دادخواهی‌های مصرف‌کنندگان خدشه‌دار می‌گردد، سعی بر افزودن به احتیاط خود می‌نماید و بدین طریق از ناهنجاری‌ها کاسته می‌شود.

حق جبران خسارت که به عنوان هدف، مورد توجه اتحادیه اروپا برای تضمین حقوق مصرف‌کنندگان و محافظت از ایمنی، سلامت، منافع اقتصادی و قانونی آنها در برابر خطرات و تهدیدات قرار گرفته است (Valant, 2015: 3)، دارای جنبه‌های مختلفی اعم از کالاهای تقلبی و خدمات نامطلوب و نیز کالاهای غیرتقلبی با کیفیت پایین می‌گردد، حتی اگر میزان خسارت وارده به مصرف‌کننده ناشی از سوءاستفاده‌ها، ناچیز باشد، دادن حق دادخواهی به وی برای مطالبه خسارت، تاثیر عظیمی در جامعه خواهد داشت (CHATTERJEE et al., 2011: 7/163).

علاوه بر اینکه جبران خسارت همیشه و فقط به معنای جبران زیانهای وارده و به تعبیر مفسرین حقوق انگلیس، جبران صدمات قانونی می‌باشد و هیچوقت به مفهوم کسب درآمد و بدست آوردن چیزی از این طریق نیست (Plener Cover, 2017: 50/ 1747-1748)، در خصوص شیوه‌های جبران حق مورد بحث هم باید گفت؛ برعکس آنچه که از ظاهر امر بر می‌آید، حق جبران خسارت تنها گرفتن وجهی برای جبران زیان بابت تخلف طرف مقابل توسط مصرف‌کننده نمی‌باشد، بلکه مواردی مانند الزام به تعمیر رایگان محصولات معیوب، پس دادن محصول، جایگزین کردن آن با محصول جدید توسط شخص متخلف و ... را هم دربرمی‌گیرد (Bhattacharyya, 2014: 1/12). موضوعی که در ماده (۲) قانون



1 The Sale of Goods Act 1957
2 The Consumer Protection Act 1999



حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ کشورمان هم البته منطبق با قواعد حقوقی ما، به آن توجه شده است.

۳. حق جبران خسارت و دادخواهی در بورس اوراق بهادار

علاوه بر اصل سی و چهارم قانون اساسی، حق جبران خسارت در مقررات مرتبط با مصرف‌کننده کشورمان هم تصریح شده است. از جمله ماده (۱۶) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان بیان می‌دارد: «مسئولیت جبران خسارات وارده به مصرف‌کننده با تشخیص مرجع رسیدگی‌کننده به عهده شخص حقیقی یا حقوقی اعم از خصوصی و دولتی می‌باشد که موجب ورود خسارت و اضرار به مصرف‌کننده شده است. در مورد شرکت‌های خارجی علاوه بر شرکت مادر، شعبه یا نمایندگی آن در ایران مسؤول خواهد بود. تبصره - در کلیه مواردی که تخلف از ناحیه اشخاص حقوقی باشد خسارت باید از اموال شخص حقوقی پرداخت شود ولی مسئولیت جزایی متوجه مدیرعامل و یا مدیر مسؤول شخص حقوقی است.» همچنین ماده (۳) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶ و ماده (۷۸) قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ در این خصوص باید مدنظر قرار گیرد.

جبران خسارت در بورس نیز همانند قواعد عام مسئولیت مدنی، نیاز به اثبات سه رکن ورود ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت دارد. به عنوان مثال اگر کارگزار در انجام وظایف خود قصور ورزیده و مرتکب تخطی شود و به این واسطه به مصرف‌کننده بورس خسارتی وارد آید، موظف به جبران آن بوده و برای سرمایه‌گذار حق مطالبه آن به وجود می‌آید. بدیهی است که خطای کارگزار اعم از این است که عمدی یا غیرعمد باشد. در برخی موارد هم، برای خاطی علاوه بر مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری نیز مقرر شده است که مجال تفصیل آن در این مختصر نمی‌باشد.

از جمله موادی که به حق جبران خسارت سرمایه‌گذاران اشاره دارد، در قانون بورس ۱۳۴۵، مواد (۱۳) و (۲۶) و در قانون بازار اوراق بهادار ۱۳۸۴، مواد (۴۳) و (۵۲) می‌باشد. همچنین ماده (۱۵) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای





سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۸ در این خصوص نیز شایان توجه می‌باشد که به منظور حمایت از سرمایه‌گذاران خرد یا مصرف‌کنندگان بورس بوده تا مالکان اوراق بهادار امکان الزام شرکت متخلف به پرداخت سود را در فرایندی سریع و تخصصی داشته باشند^۱ (سلطانی، ۱۳۹۵: ۳۳۴). به موجب بخش (۱۱) قانون اوراق بهادار ۱۹۳۳ آمریکا نیز عدم رعایت مقررات در عرضه اولیه و ارائه اطلاعات نادرست در بیانیه ثبت و عدم اعلام اطلاعات مهمی که به موجب قانون باید در بیانیه ثبت قید شود مسئولیت مدنی اشخاص مقرر در قانون را در پی دارد و هر شخصی که براساس بیانیه ثبت نادرست یا ناقص اوراق بهادار موضوع آن را خریداری کرده است، می‌تواند ضرر و زیان ناشی از تخلف را از اشخاص مقرر در قانون مطالبه کند. البته مقرر مزبور این امر را مشروط بر علم او بر وجود اطلاعات نادرست یا عدم درج اطلاعات مهم در بیانیه ثبت قرار داده است. از جمله اشخاص مسئول مطابق بخش (۱۱a) مدیر یا شرکت ناشر در تاریخ ثبت بیانیه نزد SEC یا هر شخصی می‌باشد که نام او با رضایت خود او به عنوان مدیر یا شرکت ناشر و یا ناشر آینده ثبت شده است.

حق جبران خسارت و دادخواهی در بورس اوراق بهادار کشورمان همانطور که در ادامه خواهد آمد، از طریق مراجع اختصاصی می‌باشد و دادگاهها صلاحیت رسیدگی به آن را ندارند. به عنوان مثال، در صورت بروز اختلاف بین مصرف‌کننده بورس با کارگزاران و ادعای خسارت توسط آنها، سرمایه‌گذار باید بدو این ادعا را در کمیته سازش کانونها مطرح و در صورت عدم سازش، به هیات داوری ارجاع می‌گردد. این نکته را نیز باید در نظر داشت که سبب ایجاد حق مزبور ممکن است اعمال حقوقی یا وقایع حقوقی باشد که در هر دو صورت مشمول قاعده اخیر است. بنابراین چنانچه در اثر تقصیر یکی از بازیگران بازار بورس به سرمایه‌گذاری خسارت وارد شود، شخص اخیر باید برای مطالبه خسارت در

۱ - در خصوص ماده ۴۳ مزبور، به صراحت این ماده که خواهان را مخیر به رجوع به هیات مدیره بورس یا هیات داوری نموده است، مربوط به عرضه اولیه اوراق بهادار بوده و شامل بازار ثانویه نمی‌گردد. ایضا ماده مورد بحث بیانگر این نکته است که مسئولیت اشخاص در بورس اوراق بهادار کشورمان مبتنی بر تقصیر می‌باشد (انصاری و صفدری، ۱۳۹۰: ۲۱۶).





هیات داوری طرح دعوا کند. به عقیده برخی نویسندگان (قربانی لاچوانی، ۱۳۸۶: ۲۵۱)، تنها استثنایی که در این خصوص ملاحظه می‌شود، حکم ماده (۵۲) قانون بازار است. البته این موضوع مهم را نیز باید یادآور شد که برخلاف ماده (۱۷) قانون تاسیس بورس اوراق بهادار مصوب سال ۱۳۴۵، در صورتی حق دادخواهی مصرف کننده بورس مشمول قانون بازار مصوب ۱۳۸۴ می‌باشد که «اختلافات ... ناشی از فعالیت حرفه‌ای آنها ...» باشد (ماده ۳۶ قانون بازار). فعالیت حرفه‌ای در بازار سرمایه یعنی فعالیتی که اگر بازار متشکل سرمایه شکل نگرفته بود و اشخاص را گردهم نیاورده و تکالیف مشخصی را بر دوش آنان قرار نداده بود رخ نمی‌داد. لذا فعالیت‌هایی که ارتباطی با این بازار ندارد، قابل رسیدگی در هیات داوری نیست (سلطانی، ۱۳۹۲: ۲۵۸).

۴. شیوه رسیدگی به دعوی جبران خسارت و دادخواهی در بورس اوراق بهادار

در ایران از ابتدای تاسیس بورس اوراق بهادار، برعکس بسیاری از کشورهای دیگر از جمله؛ ایالات متحده آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان، نهادی اختصاصی برای رسیدگی به اختلافاتی که در حوزه بورس رخ می‌دهد، پیش‌بینی و نکته بسیار مهم آن، اجباری بودن صلاحیت نهاد مزبور بوده و این امر از زمان قانون تاسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵ آغاز و هیات داوری ایجاد و همانطور که بیان شد، برخلاف داوری‌های معمول که به ذهن متبادر می‌گردد،^۱ یک مرجع اختصاصی اجباری است. این شیوه به موجب ماده (۳۶) قانون بازار مصوب ۱۳۸۴ پی گرفته شده و همانطور که حقوقدانان (سلطانی، ۱۳۹۵: ۳۱۷) بیان داشته‌اند، رسیدگی به اختلافات مورد بحث در صلاحیت دادگاه‌ها قرار نگرفت. بلکه در صورت عدم سازش در کانون مربوطه، هیات داوری به اصل اختلاف رسیدگی می‌نماید. البته همانطور که از ظاهر امر برمی‌آید، صلاحیت هیات داوری در بازار بورس،



۱ - وفق مواد ۴۵۴ و ۴۵۵ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹ تقریب به ذهن اختیاری بودن داوری است نه اجباری بودن آن. اگرچه در داوری‌های معمول نیز همه داوری‌ها اختیاری نبوده و برخی موارد اجباری می‌باشد. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، رجوع کنید به: ص ۵۲۰ بیعد، شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، تهران، انتشارات دراک، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.



صرفاً مربوط به اختلافات و دعاوی حقوقی است، ولی در صورتی که عملی جنبه کیفری داشته باشد، به موجب ماده (۵۲) قانون بازار ۱۳۸۴، مراجع قضایی صالح به رسیدگی هستند. از نظر تطبیقی؛ در انگلستان وفق قانون بازارها و خدمات مالی این کشور مصوب ۲۰۰۰ اختلافات ناشی از بورس اوراق بهادار مشابه دیگر دعاوی در صلاحیت مراجع قضایی است؛ لیکن در صورت تراضی طرفین، می‌توان از دیگر روش‌های حل اختلاف نیز استفاده کرد. به موجب ماده (L621-19) قانون مالی و پولی^۲ فرانسه استفاده از شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات بورس با درخواست طرفین ممکن بوده و در ایالات متحده آمریکا نیز، رسیدگی به اختلافات حوزه بازار سرمایه اصولاً با مراجع قضایی است. لیکن در قانون بورس اوراق بهادار ۱۹۳۴^۳ که موضوع داوری در بخش (۹)، (۱۵A) و (۱۹) این قانون آمده، به حل و فصل اختلافات به شیوه‌های غیر از آنچه گفته شد، با توافق اصحاب دعا اشاره می‌کند. لذا همانطور که محققین بیان داشته‌اند؛ شیوه حل و فصل اختلافات به روش داوری، در این کشورها مبنای قراردادی دارد (میرزایی منفرد، ۱۳۹۰: ۲۱۵).

همانطور که بیان شد؛ به استناد ماده (۳۶) قانون بازار، رسیدگی به دعوی جبران خسارت در بورس در هیات داوری، منوط به عدم سازش در کانون مربوطه خواهد بود. لذا در این قسمت بطور اجمالی ابتدا سازش در کانون‌ها سپس رسیدگی هیات داوری را بررسی می‌نماییم.

۴-۱. سازش در کانون‌ها

پرداختن به کانونها در بند (۵) ماده (۱) و مواد (۳۳) و (۵۳) قانون بازار ۱۳۸۴، مدنظر قرار گرفته است. همانگونه که در متن ماده (۳۶) مزبور ملاحظه می‌گردد و ماده (۵) قانون توسعه ابزارها نیز به آن قانون ارجاع داده است، در صورت بروز اختلاف، غیر از آنچه که موضوع مشمول عنوان مجرمانه یا تخلفات انضباطی باشد، پیش از مراجعه به هیات داوری، اشخاص موظف به مطرح کردن موضوع در کانونها که تعریف آن در بند (۵) ماده (۱)



1 Financial Services and Markets Act 2000

2 MONETARY AND FINANCIAL CODE

3 CURITIES EXCHANGE ACT OF 1934



قانون بازار آمده با هدف دستیابی به سازش هستند. لذا عمل مزبور صرف نظر از اینکه طرفین اختلاف اشخاص دولتی یا خصوصی باشند، اجباری است. این الزام برای مراجعه به کانونهای مربوطه، برای کاستن از حجم پرونده‌های مطروحه در هیات داوری و حل حتی- الامکان کدخداهای متشانه اختلافات بازار بورس بوده و یکی از مقدمات اجباری طرح دعوا در هیات داوری می‌باشد حتی اگر طرفین به هیچ وجه قصد سازش نداشته باشند. نتیجه طبیعی این وظیفه قانونی این است که در صورت عدم رعایت تکلیف مزبور، هیات داوری به اختلافات طرفین رسیدگی نخواهد کرد. در تایید این مطلب، آرای متعددی نیز از هیات داوری بازار اوراق بهادار صادر گردیده است. علت اجباری بودن مراجعه به کانون برای سازش در صورت عدم تمایل اشخاص، منطقی بنظر نمی‌رسد چراکه این امر با مقصود قانونگذار برای تسریع در رسیدگی اختلافات بازار اوراق بهادار، که یکی از اهداف ایجاد نهاد داوری اجباری در بورس می‌باشد، تعارض دارد. لذا مناسب بود که تنها داوری در بورس اجباری می‌شد نه مراجعه به کانون برای سازش. علی‌الخصوص اینکه در دستورالعمل‌های کانون تشریفات مفصل و پرداخت هزینه رسیدگی در نظر گرفته شده

۱ - از جمله آرای مورد نظر بدین ترتیب می‌باشد: کلاسه پرونده: ۸۵/ف/۱۲/۴ دادنامه شماره: ۸۵/ه/۲۵ تاریخ صدور رای: ۸۵/۵/۱۶. خواهان: مدیرعامل شرکت (د). خواننده: شرکت کارگزاری (س). خواسته: مطالبه خسارت تاخیر در صدور حواله آلومینیوم. مرجع رسیدگی: هیات داوری موضوع ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار مصوب اول آذر ۱۳۸۴ به تصدی آقای دکتر سام سوادکوهی فر، رئیس و آقایان رشیدی و دبیری، اعضای هیات. «گردش کار»: آقای دکتر (الف) مدیرعامل شرکت (الف) (با مسئولیت محدود) به شرح مرقومه شماره ۴۰۵۱۳ مورخه ۸۴/۷/۱۵ به هیات مدیره بورس فلزات تهران- هیات حل اختلاف تخلف موضوع ماده ۲۶ قانون تاسیس اوراق بهادار را اعلام و تقاضای رسیدگی و جبران خسارت وارده بابت تهیه آلومینیوم از بازار آزاد با زیان حدود ۵۵۰۰۰۰۰۰ ریال از سوی شرکت کارگزاری (س) در صدور حواله با فاصله یک ماه نموده است. با ارجاع پرونده به هیات داوری سازمان بورس و اوراق بهادار حسب تصمیم مورخه ۸۵/۴/۲۸ مقرر گردید، پرونده اعاده تا پس از تکمیل و بررسی در کمیته سازش نتیجه ارسال شود. به حکایت گزارش دبیرخانه هیات داوری شماره ۱۳۱/۸۴ مورخه ۸۵/۵/۱۶ ابلاغ جهت رفع نقص از طریق پست پیشتاز و نیز تلفن مقدور نگردیده است. «تصمیم هیات داوری»: قطع نظر از اینکه ابلاغ به خواهان مقدور نگردیده و دسترسی به نحو دیگر نیز میسر نشده است، توجه به لغو قانون تاسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵ و نظر به حکومت ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ سابقه به دبیرخانه اعاده می‌گردد تا به کانون ذیربط و در صورت عدم تشکیل کانون مربوط، مستند به تبصره ماده ۳۳ قانون اخیرالذکر جهت سازش به سازمان ارسال گردد. بدیهی است در صورت حضور طرفین و عدم حصول سازش پرونده به هیات داوری ارسال و الا بایگانی خواهد شد. مراتب به خواهان و مدیریت رسیدگی به شکایت سازمان کارگزاران بورس فلزات تهران جهت اطلاع اعلام می‌گردد (سوادکوهی، ۱۳۸۸: ۴۵).





است که در صورت عدم تمایل اشخاص، موجب اتلاف هزینه و زمان می‌باشد. همچنین این مقررات با فلسفه سازش و هدف آن که مصالحه اختیاری اشخاص است نیز، همخوانی ندارد. با توجه به استدلالات فوق، شاید بتوان ماده (۳۶) قانون بازار را نیز این گونه تفسیر کرد که؛ مقصود قانونگذار این بوده که چنانچه در کانون‌ها با کدخدامنشی بین طرفین اختلاف، سازش و مصالحه‌ای صورت نگیرد و یا اصولاً طرفین اختلاف حاضر به سازش نباشند، بتوانند به هیات داوری مراجعه کنند. نه اینکه مجبور باشند این راه مفصل و این تشریفات پرهزینه را که در برخی موارد نتیجه آن معلوم و مشخص است، طی نمایند (رجب‌زاده اصطهباناتی، ۱۳۹۲: ۱۵۹). علیرغم استدلالات فوق، تصور تبعیت قانونگذار از این نظر هنگام وضع ماده (۱۵) قانون توسعه ابزارها با وجود صراحت ماده (۵) آن قانون، را باید از ذهن زدود. توضیح آنکه ماده (۱۵) این مقررہ بیان داشته است:

«در صورتی که اوراق بهادار پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار یا بازار خارج از بورس و یا اوراق بهادار مبتنی بر کالا که در بورس کالا پذیرفته می‌شود متضمن سود مصوب، سررسید شده یا تضمین شده باشد، باید به موقع و در چارچوب مقررات، توزیع و پرداخت شود. در صورت خودداری ناشران و شکایت صاحبان اوراق بهادار یا سازمان، موضوع در هیات داوری قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران طرح و آرای صادره در این خصوص از طریق اجرای احکام دادگاه‌ها قابل اجرا است.»

ملاحظه می‌گردد که این ماده رجوع اجباری به کانون قبل از رسیدگی هیات داوری را حذف نموده است. در ابتدای امر بنظر می‌رسد که مقنن با غرض خاصی این عمل را انجام و سعی در حذف رجوع اجباری به کانون جهت سازش در موضوع خاص ماده (۱۵) قانون مزبور دارد. ولی این تحلیل صحیح بنظر نمی‌رسد چراکه اولاً ماده (۵) همان قانون، برای رسیدگی اختلافات، به قانون بازار به عنوان قانون مادر ارجاع داده است. ثانیاً تأکید بر خروج رسیدگی به برخی از اختلافات از قواعد عام حاکم بر بازار اوراق بهادار ترجیح بلامرجح محسوب می‌گردد. از نظر عملی، هیات داوری تاکنون دو رویه‌ی متفاوت را دنبال نموده است. تا سال ۱۳۹۱ که ترکیب قضایی هیات داوری دستخوش تغییر شد، هیات معتقد به عدم لزوم طی فرآیند سازش در این قسم دعاوی بود. با تغییر ترکیب، رویه‌ی





هیات بر این قرار گرفت که چنین دعاوی ابتدا در کانون طرح شده و در صورت صدور گواهی عدم امکان سازش در هیات مطرح گردند (سلطانی، ۱۳۹۲: ۲۹۰). بحث فوق در خصوص ماده (۴۳) قانون بازار نیز مطرح می‌گردد که در خصوص این ماده نیز به مانند ماده (۱۵) قانون توسعه ابزارها تبعیت از قواعد عام و اجبار به مراجعه به کانون جهت سازش در بادی امر، منطقی تر بنظر می‌رسد.^۱

در حال حاضر کانونهای فعال در بازار سرمایه، کانون کارگزاران، کانون نهادهای سرمایه‌گذاری ایران و کانون شرکت‌های سرمایه‌گذاری سهام عدالت بوده و وفق مصوبه در خصوص مرجع حل اختلافات فعالان بازار اوراق بهادار فاقد کانون مربوطه مصوب ۱۳۸۷ هیات مدیره سازمان بورس، مقرر گردید اختلافات آن دسته از فعالان بازار اوراق بهادار، (موضوع ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار ج.ا.ا) که فاقد کانون مربوطه هستند در کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار حل و فصل شود. یکی از فعالان بازار بورس که فاقد کانون مربوط هستند، سرمایه‌گذاران می‌باشند که اختلاف آنها با دیگر بازیگران بورس بدوا در کانون کارگزاران حل و فصل می‌گردد. ساختار و شیوه رسیدگی کمیته‌های سازش مزبور که در هر کانونی نام خاصی گرفته است،^۲ در اساسنامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به آنها آمده که تفصیل آنها در این مختصر نمی‌گنجد.

۴-۲. رسیدگی هیات داوری

داوری اختلافات بازار اوراق بهادار دارای حساسیت خاصی بوده و به ویژه زمانی که یکی از طرفین آن سرمایه‌گذاران خرد که قشر ضعیف بازار سرمایه یا به عبارتی مصرف-کنندگان این بازار هستند، همانطور که اساتید (باقری، ۱۳۸۷: ۳۰۲) بیان داشته‌اند؛ مشابه

۱ - برای دیدن نظر مخالف که معتقد است: چنانچه زیان دیده تمایل به پیگیری دعاوی خود از طریق هیات داوری را داشته باشد، نیازی به ارائه گواهی عدم سازش از کانون مربوطه ندارد؛ یعنی در این حالت به موجب تکلیف قانونگذار رسیدگی بدون طی مرحله سازش در هیات داوری قابل انجام است، رجوع کنید به: میرزایی منفرد، غلامعلی، حقوق بازار اوراق بهادار بخش اختلافات، تهران، نشر میزان، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۴۴؛ رجب-زاده اصطهباناتی، علیرضا، ماهیت حقوقی و روش‌های حل و فصل دعاوی در بازار اوراق بهادار، تهران، انتشارات بورس، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۲۰۴.

۲ - در کانون کارگزاران به آن کمیته سازش گفته می‌شود و در کانون نهادهای سرمایه‌گذاری ایران و کانون شرکت‌های سرمایه‌گذاری سهام عدالت، هیات سازش و رسیدگی به تخلفات نام گرفته است.





داوری اختلافات مصرف‌کنندگان سایر بازارها از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و باید توجه بیشتری به آن داشت. چرا که گروه مورد بحث قشر ضعیف بازار محسوب شده و اگر حقوق آنها محفوظ نماند، بازار با کم‌استقبالی آنها مواجه و در درازمدت شکست بازار رخ خواهد داد.

صرفنظر از توجه به ماده (۳۷) قانون بازار که در مقام بیان ترکیب هیات داوری بوده و تحقیق مجزایی را می‌طلبد، وفق ماده (۳۶) قانون بازار به عنوان منبع تعیین صلاحیت اصلی هیات داوری است، برای امکان رسیدگی هیات داوری بازار اوراق بهادار سه شرط لازم می‌باشد:

شرط اول: هیات داوری تنها صالح به رسیدگی به اختلافات حقوقی است نه رسیدگی به شکایت کیفری یا تخلفات فعالان بازار سرمایه که احیاناً مشمول اعمال ضمانت‌اجراهای انضباطی که دارای مراجع خاص صالح به رسیدگی هستند، می‌باشد.

شرط دوم: هیات داوری فقط حق رسیدگی به اختلافات بین فعالان و بازیگران حوزه بازار سرمایه را دارد و در صورتی که این شرط مفقود باشد و اگر یکی از طرفین یا هر دو طرف اختلاف این شرط را فاقد باشند، حق رسیدگی ندارد.

شرط سوم: همانطور که سابقاً بررسی شد؛ هیات داوری مزبور تنها به اختلافات ناشی از «فعالیت حرفه‌ای» رسیدگی می‌کند و چنانچه بین این فعالان اختلافاتی غیر از آنچه که منشا آن «فعالیت حرفه‌ای» است رخ دهد، رسیدگی به آن اختلافات در صلاحیت هیات داوری نبوده و مشمول قواعد عمومی صلاحیت در قوانین مربوطه است.

در صورت محقق بودن شروط فوق و انجام تشریفات مقرر و پرداخت هزینه داوری، هیات مزبور کار خود را آغاز می‌کند. با توجه به سکوت قانون بازار در خصوص مقررات شکلی رسیدگی این هیات، لذا مطابق سایر مسائل حقوقی باید از مقررات عام قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ به عنوان قانون مادر شکلی در خصوص اختلافات مدنی تبعیت نمود. چنانکه در عملی نیز هیات فوق، به این موضوع معتقد بوده و پس از تکمیل تحقیقات مبادرت به صدور رای می‌نماید که وفق تبصره (۵) ماده (۳۷) قانون بازار مصوب ۱۳۸۴، این آراء قطعی و لازم‌الاجراء بوده و اجرای آن بر عهده اداره‌ها و دوایر اجرای ثبت





اسناد و املاک است در حالی که ماده (۱۵) قانون توسعه ابزارها مصوب ۱۳۸۸ این تکلیف را بر عهده اجرای احکام دادگاه‌ها دانسته است. خلق تکالیف گوناگون برای یک موضوع در دو قانون مختلف که منتسب به مقنن واحدی است و علت منطقی هم برای آن متصور نمی‌باشد، ایجاد اشکال نموده و می‌تواند موجب اختلاف نظر و تفاوت در رویه‌ها گردد.

نتیجه‌گیری

مصرف‌کنندگان بورس اوراق بهادار که به سرمایه‌گذاران خرد این بازار که اشخاصی غیرمتخصص بوده و با هدف کسب درآمد و بدون اینکه شغل اصلی آنها معاملات اوراق بهادار باشد، در این بازار به فعالیت مزبور مشغولند، اطلاق می‌گردد، همانند سایر مصرف‌کنندگان بازارهای مالی و واقعی به دلیل ضعف‌های اقتصادی و آگاهی و اطلاعاتی که دارند نیازمند حمایت ویژه بوده و حقوقی دارند که از جمله آنها حق افشای اطلاعات توسط ناشر، حق آموزش، حق انتخاب کارگزار و اوراق بهادار و حق جبران خسارت و دادخواهی می‌باشد. سه حق اول که با یکدیگر ارتباط دارند موجب افزودن بر مهارت و دانش مصرف‌کننده شده و منتج به انتخاب مناسب اوراق بهادار برای معامله می‌گردد. ولی حق جبران خسارت و دادخواهی وی، به نوعی برای حفاظت از سایر حقوق او بوجود آمده و تا تقصیری از دیگری سر نزده و خسارتی وارد نشود، مطرح نمی‌گردد به نوعی از جمله حقوق ثانویه محسوب و ابتدا به ساکن مورد بحث نمی‌باشد. علاوه بر این، وجود این حق و به رسمیت شناختن آن در قانون، جنبه پیشگیرانه نیز دارد تا بازیگران بورس احتیاط بیشتری بعمل آورده تا از وقوع خسارت به دیگری جلوگیری شود. در مقابل سرمایه‌گذار خرد بورس که مصرف‌کننده تلقی می‌گردند، سرمایه‌گذاران نهادی وجود دارند که برعکس دسته اول، اشخاص ماهری بوده و فعالیت در بورس شغل اصلی آنها می‌باشد و نیازمند حمایت ویژه نمی‌باشند. حق جبران خسارت و دادخواهی به جهت اهمیت آن، در حقوق اکثر کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا که آن را اساس و زیربنای آزادی دانسته‌اند، تصریح و در مواد (۴۳) و (۵۲) قانون بازار اوراق بهادار ۱۳۸۴ و نیز ماده (۱۵) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم





قانون اساسی مصوب ۱۳۸۸ کشورمان هم آمده است. ماده (۳۶) قانون بازار ۱۳۸۴، ارجاع اختلاف خسارت رخ داده بین طرفین به کانون مربوطه جهت سازش پیش از رجوع به داوری را مقرر داشته که الزامی می‌باشد. علاوه بر آن، صلاحیت هیات داوری در این بازار هم برخلاف آنچه که در مورد داوری سایر اختلافات مرسوم است، اجباری می‌باشد و اگر شخصی بدون توجه به این مقرر به این مقرر به محاکم دادگستری مراجعه نماید، دادگاه قرار عدم صلاحیت صادر خواهد نمود. در حالی که در اکثر کشورها از جمله: استرالیا، فرانسه، ایالات متحده آمریکا، مالزی ارجاع اختلافات بازار بورس به داوری، اختیاری بوده و منوط به توافق طرفین است موضوعی که در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ کشور ما حاکم می‌باشد. نه تنها برای ارجاع اختلافات حوزه بازار سرمایه به داوری نیازی به تراضی طرفین نیست، بلکه مقنن در ماده (۳۷) قانون بازار هیچ سهمی برای طرفین اختلاف برای تعیین اعضای داوران رسیدگی کننده آن گونه که در داوری‌های معمول مرسوم است، قائل نشده است.

موضوع قابل ذکر دیگر اینکه منبع تعیین صلاحیت اصلی و اولیه هیات داوری، ماده (۳۶) قانون بازار مصوب ۱۳۸۴ است و هیات مزبور بعد از طی مراحل قانونی وفق تبصره (۵) ماده (۳۷) قانون اخیر حکم قطعی و لازم‌الاجرا صادر می‌کند که در خصوص قابلیت یا عدم قابلیت اعتراض، تجدیدنظر، اعاده دادرسی و ... آن اختلاف نظر وجود دارد که تحقیقات مجزایی را می‌طلبد.

منابع

- ۱) آقاجانی، زهرا، ۱۳۹۰ش، حق تعویض و استرداد کالا در حقوق ایران (با تاکید بر حقوق مصرف کننده)، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چ ۲.
- ۲) انصاری، علی، صفدری، مرضیه، ۱۳۹۰ش، «ضمانت اجرای حقوقی معاملات در بازار سرمایه (مطالعه تطبیقی در حقوق کشورهای مالزی و امریکا)»، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال چهارم، ش ۱۶.





- ۳) باقری، محمود، ۱۳۸۷ش، «قابلیت داوری اختلافات ناشی از حقوق اقتصادی: ناکامی قراردادی در رجوع به داوری در دعاوی حقوق رقابت و حقوق بازار بورس»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۴۸.
- ۴) باقری مطلق، نرگس، ۱۳۹۱ش، «سرمایه‌گذاری خارجی در بورس اوراق بهادار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق اقتصادی، استاد راهنما: دکتر عبدالرسول قدک، استاد مشاور: دکتر محمد سلطانی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.
- ۵) بزرگمهر، داود، ۱۳۸۵ش، «مسئولیت مدنی تولیدکنندگان کالا»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۴.
- ۶) جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۶ش، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چ ۳، ج ۳.
- ۷) دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷ش، لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ ۲، ج ۷.
- ۸) رجب‌زاده اصطهباناتی، علیرضا، ۱۳۹۲ش، ماهیت حقوقی و روش‌های حل و فصل دعاوی در بازار اوراق بهادار، تهران، انتشارات بورس، چ ۱.
- ۹) سلطانی، محمد، ۱۳۹۱ش، «تبیین و تحلیل جایگاه ماده ۹۹ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران در بازار سرمایه کشور»، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال پنجم، ش ۲۰.
- ۱۰) -----، ۱۳۹۵ش، حقوق بازار سرمایه، تهران، انتشارات سمت و دانشگاه شهید بهشتی، چ ۱.
- ۱۱) -----، ۱۳۹۲ش، «صلاحیت هیات داوری موضوع قانون بازار اوراق بهادار»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۶، ش ۱۵۳.
- ۱۲) سوادکوهی، سام، ۱۳۸۸ش، هیات داوری بازار اوراق بهادار، تهران، انتشارات شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس، چ ۲.
- ۱۳) شمس، عبدالله، ۱۳۸۵ش، آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات دراک، چ ۵، ج ۳.





۱۴) صادقی، محسن، ۱۳۹۴ش، «نارسایی‌های حقوق خصوصی ایران در مقابله با مخاطرات بازار بورس برای مصرف‌کننده»، اولین همایش ملی مخاطرات و حقوق.

۱۵) غفاری فارسانی، بهنام، ۱۳۸۹ش، مصرف‌کننده و حقوق بنیادین او (نگاهی به قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان)، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، چ ۱.

۱۶) قربانی لاجوانی، مجید، ۱۳۸۶ش، «نظام حقوقی بازار اوراق بهادار ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق آمریکا»، رساله دوره دکتری حقوق خصوصی، استاد راهنما: دکتر مرتضی نصیری، استاد مشاور: دکتر محمد عیسائی تفرشی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

۱۷) کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۹ش، الزام‌های خارج از قرارداد - مسئولیت مدنی، قواعد عمومی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱۱، ج ۱.

۱۸) کاظمی، داود، رستمی، ولی، ۱۳۹۵ش، «مبانی و ابعاد حق دادخواهی مالیاتی در حقوق ایران و انگلستان»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۰، ش ۳.

۱۹) کاله-اولوآ، ژان، تامپل، انری، ۱۳۹۳ش، حقوق مصرف، ترجمه و تحقیق: مجید ادیب، تهران، نشر میزان، چ ۱.

۲۰) کاله-الووا، ژان، ۱۳۷۹ش، «تعریف مصرف‌کننده»، ترجمه عبدالرسول قدک، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۹-۳۰.

۲۱) مددی، صادق، ۱۳۸۸ش، مسوولیت مدنی تولیدکنندگان و فروشندگان کالا، تهران، نشر میزان، چ ۱.

۲۲) میرزایی منفرد، غلامعلی، ۱۳۹۰ش، حقوق بازار اوراق بهادار بخش اختلافات، تهران، نشر میزان، چ ۱.

۲۳) نوروزی، مسعود، ۱۳۹۴ش، روش‌های سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی (بازارهای سهام، ارز، سکه و طلا)، تهران، شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس، انتشارات بورس، چ ۲.





۲۴) نیکبخت، حمیدرضا، پیری، فرهاد، ۱۳۹۶ش، «سرمایه‌گذاری خارجی در سبب اوراق بهادار (پورتفولیو): رویکرد دیوان‌های داوری و معاهدات سرمایه‌گذاری»، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال دهم، ش ۳۹.

- 25) Bhattacharyya, Mr. Rajib, (2014), An Analysis on the Various Aspects of Consumer Protection in India, International Journal of Research (IJR), University Law College, Gauhati University. India, Vol-1, Issue-6.
- 26) Black, Julia, (2006), Involving Consumers in Securities Regulation, Prepared for the Taskforce to Modernize Securities Regulation in Canada, London.
- 27) Campbell Black, Henry, (1968), Black's Law Dictionary, M. A, Revised Fourth Edition By The Publisher's Editorial Staff, ST. Paul, Minn. West Publishing CO. 4th Ed. Rev.
- 28) Cartwright, Peter, (2004), Banks, Consumers and Regulation, The university Nottingham, Publisher: Hart, Oxford and Portland Oregon.
- 29) Cartwright, Peter, (1999), Consumer Protection in Financial Services, International Banking, Finance and Economic Law Series, Centre for Commercial Law Studies, University London, Published by Kluwer Law International Ltd.
- 30) Çelik, Serdar and Isaksson, Mats, (2013/2014), Institutional investors and ownership engagement, OECD Journal: Financial Market Trends, Vol. 2.
- 31) CHATTERJEE, Aman and Sheetal SAHOO, (2011), Consumer Protection: Problems and Prospects, Postmodern Openings, Published by: Lumen Publishing House On behalf of: Lumen Research Center in Social and Humanistic Sciences, Year 2, Vol. 7.
- 32) Chin Ong, Tze and Sakina Shaik Ahmad Yusoff, (2016), Remedy as of Right for Consumer Protection, Mediterranean Journal of Social Sciences, MCSER Publishing, Rome-Italy, Vol 7, No 2.
- 33) Ellis Wild, Susan, (2006), Legal Editor, Webster's New World Law Dictionary, Published by Wiley, Hoboken, NJ, Published in the United States of America.
- 34) European Commission, (2018), Distribution systems of retail investment products across the European Union, Final report.
- 35) FINANCIAL MARKET OPERATIONS-INVESTORS PROTECTION, (2016), Available at: http://cec.nic.in/wpresources/module/Commerce/III_Year/141/e-con%20201%20transcript.pdf



- 36) Jickling, Mark, (2010), The Dodd-Frank Wall Street Reform and Consumer Protection Act: Title IX, Investor Protection, Congressional Research Service, Prepared for Members and Committees of Congress.
- 37) Kun Ho Hwang, (2011), Capital Market In Korea, Korea Financial Investment Association (KOFIA).
- 38) Malik, Mahnaz, (2008), Recent Developments in the Definition of Investment in International Investment Agreements, Second Annual Forum of Developing Country Investment Negotiators, International Institute for Sustainable Development.
- 39) OICU-IOSCO, (2003), International Organization of Securities Commissions, Objectives and Principles of Securities Regulation.
- 40) Plener Cover, Benjamin, (2017), The First Amendment Right to a Remedy, University of California -College of Law, Vol. 50, Davis L. Rev. 1741.
- 41) Security Analysis and Portfolio Management, (2016), Available at: http://www.pondiuni.edu.in/storage/dde/downloads/finiv_sapm.pdf.
- 42) SMITH, DON L, (1971), THE RIGHT TO PETITION FOR REDRESS OF GRIEVANCES: CONSTITUTIONAL DEVELOPMENT AND INTERPRETATIONS, A DISSERTATION IN GOVERNMENT, Submitted to the Graduate Faculty of Texas Tech University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of DOCTOR OF PHILOSOPHY.
- 43) STATEMENT OF FACTS AND BELIEFS REGARDING THE RIGHT TO PETITION THE GOVERNMENT FOR A REDRESS OF GRIEVANCES, (2003), available at: <http://famguardian1.org/Subjects/Taxes/LegalEthics/RightToPet-031002.pdf>
- 44) Valant, Jana, (2015), Consumer protection in the EU, EPRS-European Parliamentary Research Service.
- 45) W. Arnett, George & Wiley, John & Sons, (2011), Global Securities Markets Navigating the Worlds Exchanges and OTC Markets, Inc, Printed in the United States of America.
- 46) W. Harvey, Brian, (2000), L. Parry, Deborah, The Law of Consumer Protection and Fair Trading, Publisher: Butterworths, 6, illustrated Edition, London.

